

چالشهای توسعه پایدار از منظر اکوتوریسم

شمس‌السادات زاهدی

استاد گروه مدیریت دانشگاه علامه طباطبائی

چکیده

توسعه پایدار فرایندی است که طی آن مردم یک کشور نیازهای خود را بر می‌آورند و زندگی خود را ارتقا می‌بخشند، بدون اینکه از منابعی که به نسلهای آینده تعلق دارد مصرف کنند. بنابراین توسعه را زمانی پایدار می‌خوانیم که مخرب نباشد و امکان حفظ منابع، اعم از آب، خاک، منابع ژنتیکی، گیاهی و جانوری را برای آیندگان فراهم آورد. در توسعه پایدار، اصل این است که منابع طبیعی پایه به گونه‌ای محافظت شوند که نسلهای آینده دست کم بتوانند به اندازه نسل کنونی تولید و مصرف کنند. انواع توریسم را با توجه به عملکرد توریستها می‌توان به پایدار و ناپایدار تقسیم کرد. از میان انواع توریسم، اکوتوریسم از سایر انواع، با توسعه پایدار همخوانی و سازگاری بیشتری دارد. اکوتوریسم پایدار توریسمی است که از نظر اکولوژیکی پایدار باشد، یعنی به نیازهای فعلی اکوتوریستها پاسخ دهد و به حفظ و بسط فرصتهای اکوتوریستی برای آینده بپردازد و به جای صدمه زدن به اکولوژی، در جهت پایداری آن تلاش ورزد. در اکوتوریسم پایدار، انگیزه اصلی مسافرت به طبیعت، دیدار از جذابیتهای طبیعی یک منطقه است و اکوتوریست پس از مشاهده جذابیتها، بدون اینکه خللی در آنها وارد آورد و به تخریب آنها بپردازد، محل را ترک کرده، امکان استفاده را برای دیگر علاقه‌مندان باقی می‌گذارد. به این ترتیب، در عین حال که از فرهنگ، سوابق تاریخی و نموده‌های طبیعی منطقه، شناخت حاصل می‌کند، شأن و جایگاه اکوسیستم را حفظ و در ضمن، فرصتهای اقتصادی و درآمدزایی را برای مردم محلی ایجاد می‌کند.

واقعیتهای موجود حاکی از آن است که متأسفانه تحت عنوان اکوتوریسم، خسارات جبران ناپذیری بر منابع طبیعی وارد آمده است. در این نوشتار، ضمن ارائه مدلی برای اکوتوریسم پایدار و اشاره به مصادیقی از رفتار خصمانه بشر با طبیعت، نسبت به ارائه پیشنهادهایی اقدام می‌شود که امید است با به‌کار بستن آنها، روند تخریبی فعلی متوقف گردد و در حفظ جذابیتهای جغرافیایی و پدیده‌های زیست محیطی که سرمایه‌های تجدید ناپذیر بشریت هستند تلاش شود و از این منابع ارزشمند که برای بقای امروز و فردای بشر نقش حیاتی دارند محافظت به عمل آید.

کلید واژه‌ها: توسعه پایدار، اکوتوریسم، محیط زیست، توریسم پایدار، نگرش سیستمی.



۱- مقدمه

توسعه پایدار فرایندی است که طی آن مردم یک کشور نیازهای خود را برمی‌آورند و سطح زندگی خود را ارتقا می‌بخشند، بدون اینکه از منابعی که به نسلهای آینده تعلق دارد مصرف کنند. بنابراین توسعه را زمانی پایدار می‌خوانیم که مخرب نباشد و امکان حفظ منابع، اعم از آب، خاک، منابع ژنتیکی، گیاهی و جانوری را برای آیندگان فراهم آورد. در توسعه پایدار، اصل این است که منابع طبیعی پایه به گونه‌ای محافظت شوند که نسلهای آینده دست کم بتوانند به اندازه نسل کنونی تولید و مصرف کنند. شاید بهترین تعریفی که برای توسعه پایدار شده تعریفی باشد که در گزارش برانتلند^۱ با عنوان «آینده مشترک ما» در سال ۱۹۸۷ ارائه شده است. این تعریف چنین است: توسعه‌ای که نیازهای زمان حال را برآورده می‌سازد، بدون آنکه از تواناییهای نسلهای آینده برای ارضای نیازهایشان مایه بگذارد [۱، ص ۲]. به این ترتیب، توسعه پایدار توسعه‌ای است که نه فقط بهبود زندگی نسل حاضر، بلکه نسلهای آینده را نیز در نظر داشته باشد.

۲- ایدئالها در توسعه پایدار

مفهوم توسعه پایدار مفهومی بسیار اساسی و مهم است، زیرا در برگیرنده ایدئالها و اصولی است که درک، شناخت و تحقق آنها آینده‌ای روشن را نوید می‌دهد و عدم توجه و جهل نسبت به آنان، اضمحلال و نابودی محیط و بشریت را به دنبال خواهد داشت. در توسعه پایدار به رشد اقتصادی و تحقق استانداردهای بهتر زندگی بدون از دست دادن منابع کمیاب طبیعی توجه می‌شود. توسعه پایدار، تلاش برای حمایت از آینده، در زمان حال است. مفروضات زیر بنایی و ایدئالهای توسعه پایدار عبارتند از:

- ۱- یکپارچگی اقتصادی- محیطی^۲: تصمیمات اقتصادی باید با توجه به آثاری که بر محیط زیست می‌گذارند اتخاذ شوند.
- ۲- تعهد بین نسلها^۳: در زمان حاضر، تصمیمات باید با توجه به نتایجی که بر محیط زیست نسلهای آینده دارند اتخاذ شوند.

1. Brundtland Report

2. economy - environment integration

3. intergenerational obligation

جائزهای توسعه پایدار از منظر اکوتوریسم

- ۳- عدالت اجتماعی^۱: کلیه مردم دارای حق برخورداری از محیطی هستند که بتوانند در آن محیط رشد کرده، شکوفا شوند.
- ۴- حفاظت محیطی^۲: محافظت از منابع و حمایت از دنیای جانوری و گیاهی ضرورت دارد.
- ۵- کیفیت زندگی^۳: تعریف گسترده‌تری از رفاه بشری باید ارائه شود، به نحوی که از محدوده رفاه اقتصادی فراتر رود.
- ۶- مشارکت^۴: نهادها باید مجدداً ساماندهی شوند به نحوی که از طریق آنها امکان شنیده شدن کلیه صداها در فرایند تصمیم‌گیری فراهم آید [۲، ص ۱۴۷۱].

۳- توریسم پایدار

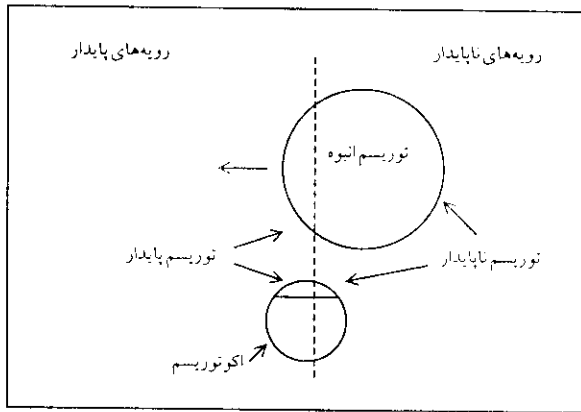
باتلر در سال ۱۹۹۳ توریسم پایدار را توریسمی تعریف کرده است که بتواند در یک محیط در زمان نامحدود ادامه یابد و از نظر انسانی و فیزیکی به محیط زیست صدمه نزند و تا بدان حد فعال باشد که به توسعه سایر فعالیتها و فرایندهای اجتماعی لطمه‌ای وارد نیارد [۳، ص ۲۹]. لذا توریسم پایدار آن نوع از توریسم است که توسعه پایدار را تسهیل کند.

۴- ارتباط انواع توریسم با پایداری

انواع توریسم را با توجه به عملکرد توریست‌ها می‌توان به پایدار و ناپایدار تقسیم کرد. برخی از انواع توریسم، هماهنگی بیشتری با سیاستهای توسعه پایدار دارند و بعضی کاملاً در خلاف جهت توسعه پایدار پیش می‌روند. به طور کلی تاکنون ابعاد ناپایداری در توریسم انبوه خیلی بیشتر از دیگر انواع توریسم از جمله اکوتوریسم وجود داشته است. باتلر در سال ۱۹۹۶ ارتباط بین توریسم انبوه و سایر انواع توریسم را با پایداری در نموداری نشان داده است (نمودار ۱).

۵- اکوتوریسم پایدار

اکوتوریسم پایدار توریسمی است که از نظر اکولوژیکی پایدار باشد، یعنی به نیازهای فعلی



نمودار ۱ ارتباط بین پایداری و انواع توریسم [۲]

اکوتوریستها پاسخ دهد و به حفظ و بسط فرصتهای اکوتوریستی برای آینده بپردازد و به جای صدمه زدن به اکولوژی در جهت پایداری آن تلاش ورزد. اصولاً ارزش منابع موجود در طبیعت را از دو منظر می‌توان بررسی کرد [۴، ص ۲۲۳]:

۱- از منظر انسان به عنوان اشرف مخلوقات،

۲- از منظر کلیه موجودات در جهان.

در دیدگاه اول، منابع طبیعی زمانی ارزش دارند که بتوانند مورد استفاده بشر قرار گیرند. در این نگرش، ارزشهای اجتماعی بالاتر از ارزشهای اکولوژیکی قرار می‌گیرند و بر بهره‌گیری از محیط، بیش از حفظ کیفیت آن توجه می‌شود.

در دیدگاه دوم، کل موجودات، مد نظر قرار می‌گیرند و بر حفظ نظم طبیعت تأکید می‌شود. برخی از اکولوژیستها بر این باورند که به طبیعت نباید صرفاً به عنوان ابزاری که نیازهای بشری را ارضا می‌کند نگاه کرد، بلکه باید طبیعت را به عنوان موجودیتی دانست که دارای ارزش ذاتی است. باید آن را به عنوان یک هدف و نه یک ابزار تلقی کرد. ارزش ابزاری در تقابل با دید کل‌گرا یا سیستمی قرار می‌گیرد و دید سیستمی با مفهوم اکولوژیکی طبیعت همخوانی دارد. بر اساس همین دیدگاه توجه به محیط زیست و حفظ کیفیت آن ضرورت می‌یابد [۵، ص ۳۱۶]. وقتی اکوتوریست به عنوان یک عامل خارجی وارد طبیعت می‌شود، رابطه طبیعی بین پدیده‌ها تغییر می‌کند. به نظر یکی از نویسندگان، نوعی تناقض در واژه اکوتوریسم وجود دارد. چون دو واژه اکولوژی و توریسم با هم سازگاری و همخوانی ندارند

[۶، ص ۲۷۴]. البته به نظر نگارنده، این دید بسیار بدبینانه است. انسان نیز یکی از اجزای موجود در محیط زیست است و چنانچه به طور سنجیده و حساب شده با سایر عوامل تشکیل‌دهنده محیط طبیعی به تعامل بپردازد، نقش مخرب نخواهد داشت. البته نوع و چگونگی تعامل، بسیار تعیین کننده است. اگر انسان از طبیعت، بیش از اندازه نستاند و فراتر از توان جذب و قدرت بازسازی طبیعت بر آن تحمیل نکند، مشکلی پیش نخواهد آمد. اگر انسان نقش تخریبی‌اش را به نقش سازنده، محافظتی و حمایتی تبدیل کند، زمینه را برای تحقق هدفهای اکوتوریسم پایدار فراهم خواهد کرد. در اکوتوریسم پایدار انگیزه اصلی مسافرت به طبیعت، دیدار از جذابیت‌های طبیعی یک منطقه، شامل ویژگی‌های فیزیکی و فرهنگ بومی است و اکوتوریست پس از مشاهده جذابیتها، بدون این که خللی در آنها وارد آورد و به تخریب آنها بپردازد، محل را ترک کرده، امکان استفاده را برای دیگر علاقه‌مندان باقی می‌گذارد. به این ترتیب در عین حال که از فرهنگ، سوابق تاریخی و نمودهای طبیعی منطقه شناخت حاصل می‌کند، شأن و جایگاه اکوسیستم را حفظ و در ضمن، فرصتهای اقتصادی و درآمد زایی را برای مردم محلی ایجاد می‌کند. در اکوتوریسم پایدار برای حفظ و حمایت جدی از جذابیتها و زیباییهای طبیعی، منابع مالی و اعتبارات مورد نیاز فراهم می‌شود. به این ترتیب می‌توان گفت که اکوتوریسم پایدار آنتی‌تزی برای توریسمی است که به منابع کوتاه مدت می‌اندیشد [۷، ص ۵۷۵]. در اکوتوریسم پایدار، استمرار منافع بلند مدت مطرح است و در این رابطه، اکوتوریست کسی است که در جست و جوی کسب تجربه صحیح و معتبر از طریق چالشهای فکری و فیزیکی است و حاضر است سختیها و ناراحتیهای سفر را برای اکتساب تجربه و آگاهی تحمل کند. اکوتوریسم پایدار یک رویکرد مدیریتی است که با توجه به هدفهای ارزشی، اقتصادی، اجتماعی و زیست محیطی، با همکاری و همیاری مسئولان و مردم جامعه از طریق وضع قوانین و مقررات مناسب و اعمال مؤثر آنها، به طور مستقیم و غیر مستقیم به حفظ طبیعت بینجامد.

۶- اصول زیربنایی در اکوتوریسم پایدار

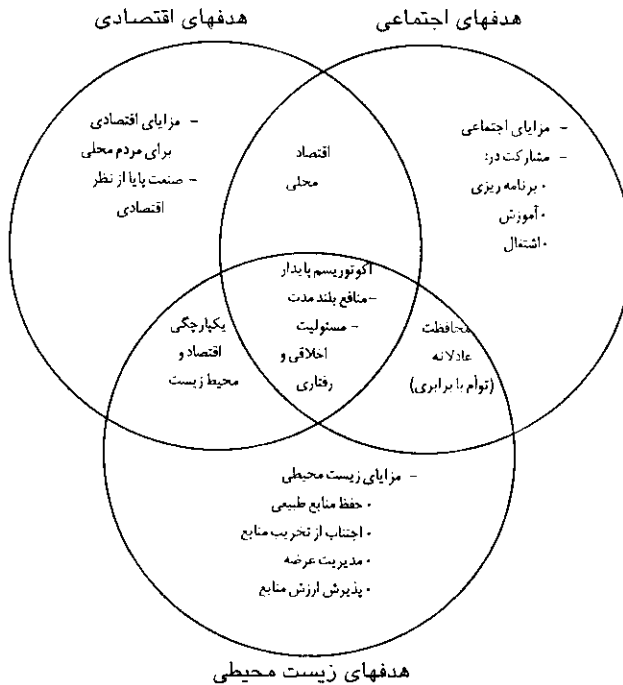
اکوتوریسم پایدار باید با محیط زیست سازگار باشد و به تخریب منابع طبیعی و کاهش آنها منجر نشود، با آموزش و یادگیری برای کلیه طرفهای دخیل اعم از مردم محلی، اکوتوریستها، مسئولان دولتی، متصدیان صنعت توریسم و ... همراه باشد و منافع بلند مدت جامعه محلی را از طریق محافظت مستمر از منابع طبیعی تأمین کند. به این ترتیب در اکوتوریسم پایدار



علاوه بر حفظ محیط زیست و تحقق هدفهای اجتماعی و اقتصادی، به اخلاقیات و مسائل ارزشی نیز توجه می‌شود.

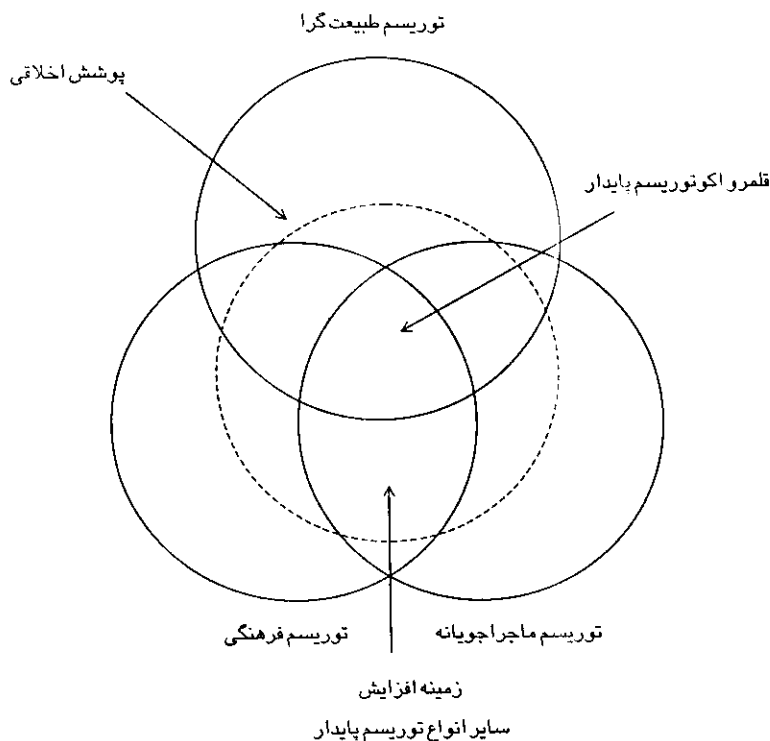
۷- مدل اکوتوریسم پایدار

سدلر^۱ از اولین کسانی بود که مدل اکوتوریسم پایدار را در سال ۱۹۹۰ ارائه کرد. سدلر سه دسته هدفهای اساسی را در مدل خود گنجانده است: ۱- هدفهای اجتماعی، شامل تأمین مزایای اجتماعی، مشارکت در برنامه‌ریزی، آموزش و اشتغال؛ ۲- هدفهای اقتصادی، شامل مزایای اقتصادی برای جامعه محلی و پایایی اقتصادی صنعت؛ ۳- هدفهای زیست محیطی، شامل کمک به حفظ منابع طبیعی، اجتناب از تخریب منابع، مدیریت عرضه، و پذیرش ارزش منابع. او محل تلاقی این سه هدف را «اکوتوریسم پایدار» خوانده است.



نمودار ۲ مدل اکوتوریسم پایدار

به طوری که مشاهده می‌شود در مدل سدler از اخلاقیات و نظام ارزشی ذکری به میان نیامده است. برخی از نویسندگان به اخلاق زیست محیطی اشاره کرده‌اند. از جمله هیلتز و فیتزگین گفته‌اند که تصمیمات مرتبط با مسائل زیست محیطی صرفاً در قالب سیستم اقتصادی و با هدف رشد و توسعه اقتصادی اتخاذ می‌شوند، در صورتی که باید یک چهارچوب اخلاقی در نظر گرفته شود و سیستم اقتصادی در درون آن فعالیت کند [۸، ص ۱۹]. همچنین مک آوی معتقد است که ما باید در بهره‌گیری از منابع طبیعی، یک رویکرد اخلاقی و ارزشی اتخاذ کنیم [۹، ص ۶۶]. خانم پاملاوایت برای پاسخگویی به این نیاز، مدل سدler را از منظر اخلاقی تعدیل و مدل انواع توریسم را با در نظر گرفتن انگیزه‌های اخلاقی ارائه کرد. نکته اصلی در مدل وایت این است که صرف نظر از نوع توریسم و انگیزه‌های اولیه آن در هر حال باید تلاش شود که دیدگاه اخلاقیات در هر یک از انواع توریسم وارد شود، بسط و توسعه یابد و در عمل به مرحله اجرا گذاشته شود [۱۰، ص ۶۱].



نمودار ۳ مدل قلمرو انگیزشی اکوتوریسم پایدار، اقتباس از پاملاوایت



۸- تصویری از واقعیتها

در این بخش، تصویری از واقعیت‌های جهان امروز ارائه می‌شود؛ واقعیت‌های ناخوشایندی که وجود دارند و چندان مورد توجه قرار نمی‌گیرند و متأسفانه با جهت‌گیری‌های اکوتوریسم پایدار در تنافی‌اند.

- تحت عنوان اکوتوریسم در کشور کاستاریکا پروژه عظیمی را با مشارکت خارجیان پیاده کرده‌اند (فروش زمینهای محلی به خارجیها، ساختمان سازی، هتل سازی، ایجاد مراکز خرید، ایجاد زمین گلف در کنار سواحل با هیا کالبرا^۱). پروژه‌ای که هیچ توجهی به اکولوژی ندارد و در توسعه کاستاریکا هم نقشی ایفا نمی‌کند و تنها یک طرح سودآور برای چند سرمایه‌گذار کاستاریکایی و شرکای خارجی آنها است [۱۱، ص ۲۷۴].
- یک محقق تایلندی به رقابت بین مردم یک دهکده و توریست‌ها در استفاده از آب اشاره می‌کند. در دهکده پوکت^۲، مردم بومی روزانه نیم متر مکعب آب مصرف می‌کنند، اما این مقدار آب برای اقامت یک روز توریست در هتل به هیچ وجه کفایت نمی‌کند (برای استحمام، شستن، زمین گلف و ...). ده هتل بزرگ در پوکت روزانه صد هزار مترمکعب آب مصرف می‌کنند، یعنی مقدار آبی که مساوی آب مصرفی تمام جمعیت محلی در پوکت است [۱۲، ص ۳].
- کوه‌های آنپورنا^۳ در نپال سالیانه شصت هزار بازدیدکننده دارند. هر توریستی حداقل هفت شب را در این نواحی می‌گذرانند. جمعاً چهارصد و بیست هزار نفر-شب، هیزم برای آشپزی، حمام و گرما مورد نیاز است. طبق آمار دولت نپال، هر توریست دو برابر مقدار چوبی که یک فرد بومی لازم دارد را مصرف می‌کند [۱۱، ص ۲۷۵].
- در یک محله کوچک در یکی از جزایر هاوایی تعداد محدودی از قایق‌رانان محلی توریست‌ها را دور ساحل می‌گردانند تا مناظر طبیعی، غارهای دریایی و آبشارهای طبیعی را نظاره کنند. ابتدا که بُعد این فعالیت، محدود بود، منبع درآمد مناسبی برای اهالی بومی محسوب می‌شد و تعارضی نیز با کیفیت زندگی در جامعه محلی ایجاد نمی‌کرد. به تدریج سرمایه‌گذاران خارجی از ظرفیت‌های بالقوه منطقه آگاه شدند و عملیات خود را آغاز کردند. در حال حاضر بیست و هفت خط قایق رو در مسیر



1. Bahia Culbera
2. Puket
3. Annapurna

اصلی محله دایر شده که هزار و چهارصد توریست را در هفت روز هفته به این سو و آن سو می‌برند [۱۳، ص ۲۰]. اکنون وضع به گونه‌ای شده که توریست‌ها جای مردم بومی را اشغال کرده‌اند. راهنمای تورها از خارج وارد می‌شوند و اطلاعات دقیق مورد نیاز توریست‌ها را ندارند. انبوهی از قایقهای گازی و موتوری در آمد و شدند و صدمات زیست محیطی زیادی را باعث شده‌اند. خسارات جبران ناپذیری به سواحل شکننده و غارهای دریایی وارد آمده است. اگر در گذشته این کار منبع درآمدی برای مردم بومی بود حالا افراد خارجی به منطقه سرانبر شده‌اند و صاحبان شرکت‌های مسافرتی، اغلب خارجی هستند و مردم اصلی منطقه، کنترل زندگی خود را از دست داده‌اند.

- نتایج تحقیقی که درباره بیست و سه منطقه حفاظت شده به عمل آمده نشان می‌دهد که بسیاری از پروژه‌هایی که سبب ارتقای اکوتوریسم شده‌اند مزایای چندانی برای مردم بومی نداشته‌اند. به عنوان مثال در پارک ملی کائویایی^۱ در تایلند که سالانه حدود پنج میلیون دلار درآمد توریستی دارد، جوامع دوروبر همچنان فقیر باقی مانده‌اند [۱۴، ص ۱۱].

- بسیاری از پروژه‌های اکوتوریسم در حال حاضر شامل زمین گلف هم می‌شوند، اما در واقع احداث زمین گلف هیچ کمکی به بسط اکوتوریسم پایدار نمی‌کند، زیرا باعث مصرف آب، کود شیمیایی و جریان آب شیمیایی در محیط زیست می‌شود. بخش زیادی از زمین‌هایی را که می‌توان برای کشاورزی مورد استفاده قرار داد به زمین گلف اختصاص می‌دهند و کشاورزان و مردم بومی را جابه‌جا می‌کنند. در دهه ۱۹۹۰ صدها زمین گلف در آسیا و حوزه پاسیفیک ساخته شد. در کنفرانس غذا که در سال ۱۹۹۶ برگزار گردید، آثار ایجاد زمین گلف این چنین مطرح شد: اگر دهها هزار هکتار زمینی که برای ایجاد زمین گلف اختصاص یافته برای کشت به‌کار گرفته می‌شد، صدها هزار از افراد بشر تغذیه می‌شدند [۱۱، ص ۲۷۶]. ساختن زمین گلف سبب تخریب جنگل‌ها و زمینهای زراعی و هدر رفتن مقدار زیادی از آبهای کشاورزی می‌شود. درآمدهای توریستی ممکن است مهم باشند، اما زمینهای گلف فقط در خدمت یک گروه نخبه خاص و محدود هستند و نقشی در تأمین رفاه ۱/۲ میلیارد نفر مردم





جهان که با درآمد کمتر از یک دلار در روز زندگی می‌کنند، ندارند [۱۱، ص ۲۷۷].

۹- پیشنهادها

در این قسمت پیشنهادهایی ارائه می‌شود که امید است با به‌کار بستن آنها اکوتوریسم با نگرش سیستمی توسعه یابد و پویایی و پایایی را به طور توأمان داشته باشد. منظور از نگرش سیستمی، توجه به کلیه ابعاد اکوتوریسم و ارتباطهایی است که با سایر اجزای موجود در محیط دارد. باید محاسبه شود که اکوتوریسم چه می‌دهد و چه می‌ستاند. آیا آنچه از آن عاید می‌شود بر هزینه‌های آبی و آبی آن فزونی دارد؟ آیا منافع آبی و کوتاه مدت آن به خسارات آبی و بلندمدتش می‌ارزد؟ آیا می‌توان هم از منابع آبی بهره گرفت و هم به منابع و منافع نسلی آینده لطمه نزد؟ چگونه می‌توان اکوتوریسم را با پایایی عجین کرد؟ برخی از پیشنهادها در این زمینه عبارتند از:

- مدیریت عرضه به جای مدیریت تقاضا: محافظت از منابع طبیعی و اکوتوریسم با یکدیگر ارتباط تنگاتنگی دارند. برای بسط و گسترش اکوتوریسم پایدار باید از منابع طبیعی به طور مؤثر و جدی محافظت شود. در این زمینه، مدیریت عرضه باید بر مدیریت تقاضا اولویت یابد. پارادایم زیست محیطی غربی که در سیصد سال گذشته غالب بوده است بر نگرش بهره‌گیری از طبیعتی که ذاتاً فاقد ارزش بوده و صرفاً برای استفاده بشر به وجود آمده مبتنی است^۱. این نگرش باید تغییر یابد، زیرا با تداوم آن، زندگی بشر محکوم به فنا خواهد بود. در حال حاضر پارادایمهای نوینی مطرح شده‌اند. محدودیت عرضه و منابع موجود در طبیعت، ضرورت بازنگری در پارادایم غربی را ایجاب می‌کند. تخریب طبیعت و بهره‌گیری نسنجیده از آن در ظرفیتهای بالقوه و بالفعل اکوتوریسم خدشه وارد می‌سازد. از این رو باید عرضه محدود طبیعت را به طور حساب شده مورد استفاده قرار داد و در واقع، مدیریت عرضه را بر مدیریت تقاضا مرجح دانست.

- توجه به ظرفیت تحمل^۲ نواحی اکوتوریستی: با وجود جوان بودن اکوتوریسم، مصادیق فراوانی از سوء مدیریت، فقدان برنامه‌ریزی و بی‌توجهی به ظرفیت تحمل نواحی اکوتوریستی وجود دارد. منظور از ظرفیت تحمل یک منطقه توریستی، تعداد توریستهایی است که آن منطقه می‌تواند در یک ظرف زمانی معین (روز، ماه، سال) بپذیرد. این ظرفیت به وسعت و توپوگرافی

1. Dominant Western Environmental Paradigm

2. carrying capacity

منطقه، نوع خاک، نحوه رفتار جانوری، میزان و کیفیت تسهیلات توریستی موجود در منطقه بستگی دارد. سازمان جهانی توریسم، ظرفیت تحمل را چنین تعریف کرده است. «تعداد ویزیتورهایی که یک ناحیه می‌تواند با سطح بالایی از رضایت و با کمترین تأثیر بر منابع، به آنها پاسخگو باشد». البته به این تعریف انتقاداتی وارد است. اولاً در آن، معیار خاصی برای قضاوت درباره «سطح بالای رضایت» و یا «آثار کم بر منابع طبیعی» ارائه نشده است. توریستها با هم متفاوتند و شرایطی که باعث رضایت آنها می‌شود نیز با هم متفاوت است. ممکن است بعضی از توریستها شرایط خاصی را رضایتبخش اعلام و عده‌ای همان شرایط را غیر رضایتبخش تلقی کنند. به علاوه تحقیقات نشان داده‌اند که معیارهای رضایت، بدون توجه به نوع خدمات ارائه شده، تقریباً همواره در حال افزایشند و انسانها همواره در طلب شرایط مطلوبتر هستند [۱۵، ص ۵۵۷]. عدم خسارت به منابع طبیعی نیز تقریباً امکان‌ناپذیر است، زیرا می‌توان گفت که هر گونه استفاده از منابع طبیعی، در هر حال مقداری اثر منفی در پی دارد. نکته دیگری که در این تعریف قابل تأمل است، توجه به تعداد است تا به موقعیت حاکم، در حالی که هدفهای مدیریتی معمولاً به اوضاع و شرایط موقعیت مرتبط می‌شوند تا صرف تعداد افراد [۱۵، ص ۵۵۷]. برای این که بتوان از ظرفیت تحمل به عنوان یک چهارچوب مناسب استفاده کرد لازم است اولاً ویژگیهای طبیعی و اجتماعی منطقه مورد بررسی قرار گیرد، معیارها و شاخصهایی برای هر یک در نظر گرفته شود و مشخص گردد که ظرفیت پذیرش در هر مورد چه قدر است. ثانیاً مدیران و مسئولان بتوانند در موارد لزوم، میزان دسترسی به مناطق مورد نظر را محدود کنند، بدین معنا که از نظر قانونی، اجازه ایجاد محدودیت را داشته باشند و از نظر امکانات مورد نیاز برای اعمال کنترل مؤثر در مضیقه نباشند. به این ترتیب، با توجه به ظرفیت تحمل مناطق اکوتوریستی می‌توان با برنامه‌ریزی صحیح از یک سو از امکانات این مناطق بهره گرفت و از سوی دیگر، مانع وارد آمدن خسارات جبران‌ناپذیر بر خاک، آب، هوا، رفتار جانوری و گیاهی موجود در این مناطق شد.

- *حسابداری داده- ستاده با مبنای سه گانه:* برای جلوگیری از تخریب محیط زیست طبیعی و حفظ و گسترش ظرفیتهای اکوتوریستی، لازم است که در مدیریت مالی و حسابداری مؤسسات اکوتوریستی تجدید نظر شود. اکوتوریسم پایدار نیاز به روشهای مدیریتی نوینی دارد که بتواند داده‌ها و ستاده‌های زیست محیطی را در هر یک از طرحها و فعالیتهای اکوتوریسم برآورد کنند. طبق نظر رالف باکلی، داده‌های زیست محیطی به عوامل جغرافیایی ارتباط پیدا می‌کند که باعث جذب توریست به یک منطقه خاص شده‌اند [۱۶]. ستاده‌های زیست محیطی نیز منافع و هزینه‌های خالص مسافرت و دیدار از محیط زیست طبیعی را شامل می‌شوند. در این جا است که حسابداری ابراز وجود می‌کند و از طریق مکانیزمهای مختلف به تعریف، کمی‌سازی و تلخیص کلیه منافع و هزینه‌ها می‌پردازد. مناسبترین رویکرد حسابداری



در این زمینه، رویکرد با مبنای سه گانه است؛ یعنی رویکردی که در آن، کلیه منافع و هزینه‌های زیست محیطی، اجتماعی و مالی به طور مستقل و جداگانه برآورد شوند. بر مبنای این روش، مؤسسه و سازمان اکوتوریستی فقط زمانی معتبر شناخته می‌شود که فعالیت‌های در هر سه زمینه مثبت باشد. به نظر باکلی پایداری زمانی حاصل می‌شود که در ساختارهای اجتماعی و رفتاری انسانها تغییرات اساسی رخ دهد و حسابداری زیست محیطی و اجتماعی از ابزارهای مهم برای تحقق این تغییرات به شمار می‌رود. مؤسسات باید برای گزارشهای زیست محیطی نیز به همان اندازه که برای گزارشهای مالی ارزش قائلند اهمیت و ارزش قائل شوند و آثار هر پروژه و فعالیت اکوتوریسم باید با دقت مورد محاسبه و ارزیابی قرار گیرد. برای این که مبنای سه گانه در سازمانها مثبت شود لازم است کلیه منافع و هزینه‌های مستقیم و غیر مستقیم زیست محیطی، اجتماعی و مالی برآورد شود. به این ترتیب، ارزش واقعی محیط زیست طبیعی مورد شناسایی قرار می‌گیرد و حفاظت از آن مورد توجه جدی واقع می‌شود و از این طریق، هم منافع جوامع محلی ملحوظ می‌شود و هم اقتصاد ملی و منطقه‌ای مورد توجه قرار می‌گیرد. لذا اکوتوریسم پایدار نیاز به سیستم مدیریت مالی و حسابداری مناسبی دارد که اطلاعات معتبر و قابل اتکایی را درباره مبنای سه‌گانه زیست محیطی، اجتماعی و مالی فراهم آورد. متأسفانه انسانها صدمات زیادی را بر محیط زیست طبیعی و بسیار فراتر از تاب تحمل طبیعت بر آن وارد آورده‌اند. طبق نظریه آشوب و اثر پروانه‌ای نمی‌توان به طور دقیق، نتایج ناخواسته یک اقدام را تعیین کرد. یک رفتار تخریبی در یک مکان خاص و در یک زمان معین در اکوسیستم ممکن است آثار ناخواسته فراوانی در سایر مکانها و زمانها داشته باشد و صدمات جبران ناپذیری بر اکوسیستمها در آینده و بر زندگی نسلهای فردا از خود بر جای گذارد. رفتارهای بشری اغلب با اصول پایداری در تناقض هستند. ضرورت تدوین استراتژیهای مدیریت زیست محیطی، برنامه‌ها و رویه‌های کاری، با هدفهای قابل اندازه‌گیری از یک سو، و اختصاص منابع مناسب برای به مرحله اجرا گذاردن و پیاده کردن آن برنامه‌ها از سوی دیگر، به شدت احساس می‌شود. به نظر نگارنده، ملاحظات زیست محیطی باید در سیستمهای مدیریت مالی و حسابداری کلیه سازمانها به طور عام و سازمانهای اکوتوریسم به طور خاص لحاظ گردد و به طور مؤثر به اجرا گذارده شود.

- مشارکت مردم: مردم باید در مالکیت، برنامه‌ریزی، اجرا و کنترل پروژه‌های اکوتوریسم نقش مؤثر داشته باشند. در اکوتوریسم پایدار، مردم بومی نقش تعیین کننده‌ای دارند، نسبت به فشارهای وارده بر محیط زیست طبیعی خود حساسند و فعالانه در ساماندهی و اجرای فعالیتهای مرتبط با اکوتوریسم مشارکت می‌کنند. احساس تعهد نسبت به محیط زیست، ابراز وجود و اظهار نظر، طرح پرسش درباره حقوق خود و فرزندان خود در آینده و ابرام بر پاسخ خواهی از مسئولان، از وظایف عمده مردم است. این مشارکت زمانی جدی می‌شود و از



مرحله حرف و سخن خارج می گردد و جنبه عملی پیدا می کند که در مالکیت، برنامه ریزی، اجرا، و کنترل به طور مؤثر مطرح شود. مردم جهان نیز باید با هم شبکه ارتباطی برقرار کنند و از آنچه بر سر دیگران آمده مطلع شوند و از قبل، پیشگیریهای لازم را برای مهار اکوتوریسم و برنامه ریزی درست آن به عمل آورند.

- ضرورت اتخاذ نگرش سیستمی: اگر به داد و ستدهای صنعت توریسم به طور سیستمی نگاه کنیم متوجه می شویم که این صنعت و تجارت، در اغلب موارد، مالک آنچه می فروشد نیست. دست اندرکاران این صنعت، فقط کالاها و خدمات توریستی و اکوتوریستی، مانند تسهیلات جا و مکان، حمل و نقل، غذا، سرگرمی و ... را به فروش نمی رسانند، بلکه همزمان با این موارد، امکانات طبیعی، سواحل، کوهستانها، جنگلها، خاک، هوا، آب و همچنین فرهنگ جوامع محلی را، نیز در معرض فروش قرار می دهند. لذا اکوتوریسم را باید به طور سیستمی مورد تجزیه و تحلیل قرار داد و ابعاد اقتصادی، جغرافیایی، مردم شناختی، اجتماعی و فرهنگی، سیاسی، و زیست محیطی را در قلمرو بررسی وارد کرد. در اغلب موارد، منافع اقتصادی حاصل از اکوتوریسم به حدی جذاب بوده که مانع توجه به سایر آثار آن شده است.

- یکپارچه سازی توریسم عادی (توریسم انبوه) با اکوتوریسم: چنانچه توریسم عادی از موضوعهای زیست محیطی آگاهتر شود، آثار مخرب خود را کاهش خواهد داد. باید تلاش شود تا تنوع فرصتهای اکوتوریستی افزایش یابد و توریسم عادی و اکوتوریسم با هم تلفیق شوند. به این ترتیب با هم افزایی حاصل از تلفیق و یکپارچگی این دو، مزایای بیشتری عاید مردم محلی و فعالان صنعت توریسم خواهد شد [۱۷، ص ۴۶].

- تخصیص اعتبار برای محافظت از طبیعت: بخشی از درآمدهای حاصل از اکوتوریسم باید برای حفظ و نگهداری مناطق و نواحی اکوتوریسم اختصاص یابد. این تخصیص اعتبار باید در مراجع مسئول کشور از نظر قانونی به تصویب برسد تا ضمانت اجرا بیابد. در این مورد نیز نظارت مردمی بسیار کارساز واقع خواهد شد.

- آموزش: در برنامه های آموزشی دوره های جهانگردی لازم است آثار مثبت و منفی اکوتوریسم مورد توجه قرار گیرد و با ارائه نمونه هایی از واقعیت، ذهنان دانشجویان روشن شود. باید دانشجویان از آثار تخریبی توریسم غربی و از تهدیداتی که از این طریق بر محیط زیست بشر وارد شده آگاه شوند. اغلب برنامه های آموزشی رشته های جهانگردی بر هتلداری متمرکز شده اند. توریسم خیلی فراتر از لیخند و خوشامدگویی است. اگر چه اهمیت این موارد را نباید انکار کرد، اما باید به مسائل زیست محیطی، فرهنگی و اخلاقی نیز توجه شود و تفکر منتقدانه در بین دانشجویان رشته جهانگردی تعمیم یابد. استفاده از دانشجویان و دانش آموزان در پروژه های اکوتوریسم، بسط و ترویج آگاهیهای مرتبط با اکوتوریسم در بین مردم کشور، تهیه منشور اخلاقیات و راهنما و دستورالعمل برای فعالان در صنعت



اکوتوریسم باعث می‌شود که عنان این صنعت مهم رها نشود و در جهت تحقق هدفهای توسعه پایدار کشور هدایت گردد.

۱۰- نتیجه گیری

یکی از الزامات توسعه پایدار این است که منابع طبیعی به عنوان میراث جمعی بشریت، به گونه ای محافظت شوند که علاوه بر پاسخگویی به نیازهای نسل حاضر، ظرفیت پاسخدهی به نیازهای نسلهای آینده را نیز داشته باشند. در این نوشتار به اکوتوریسمی که از نظر اکولوژیکی پایدار باشد به عنوان یکی از انواع توریسم که با الزامات توسعه پایدار هماهنگی و همخوانی بیشتری دارد اشاره شده است.

در اکوتوریسم پایدار انگیزه اصلی اکوتوریست، اکتساب شناخت و آگاهی از فرهنگ، سوابق تاریخی و نمودهای طبیعی منطقه به نحوی است که در عین حال که به شأن و جایگاه اکوسیستم احترام گذارده می شود، فرصتهای درآمدزایی نیز برای منطقه فراهم آید و بخشی از درآمدهای حاصله از اکوتوریسم پایدار به محافظت از منابع طبیعی اختصاص یابد. تأکید اصلی این مقاله بر ضرورت اتخاذ رویکرد اخلاقی در انگیزه های اکوتوریستی است. معیارهای اخلاقی علاوه بر این که در نوشتارها و گفتارها تکرار می شوند لازم است که در عمل نیز به اجرا درآیند و به کمک نظامهای مدیریتی کارا و ضمانتهای اجرایی مؤثر، از نوشتار و گفتار به رفتار و کردار تبدیل شوند. درچنین حالتی است که نسلهای فردا نیز خواهند توانست از میراث منابع طبیعی بهره مند شوند.

۱۱- منابع

- [1] Connelly, James and Graham Smith, "Politics & the Environment, From Theory to Practice", Routledge, London, New York, 1999.
- [2] Jacobs, M., "Sustainable Development: Assumptions, Contradictions, Progress", in Lovenduski, J. and J. Stanger (eds.), *Contemporary Political Studies: Proceedings of the Annual Conference of the Political Studies Association*, London, 1995.
- [3] Butler, R. W., "Ecotourism-Has it Achieved Maturity or Has the Bubble Burst?", Keynote Address, Pacific Rim Tourism 2000, Rotorua, New Zealand, 1996, 4 Nov.
- [4] Hall, C. M. and S. J. Page, *The Geography of Tourism and Recreation, Environment, Place and Space*, Routledge, London, 1999.

- [5] Godfrey- Smith, W, "The Value of Wilderness", *Environmental Ethics*, 1979, Vol. 1.
- [6] Harrison, Roy, M., The Royal Society of Chemistry, *Understanding Our Environment, An Introduction to Environmental Chemistry and Pollution*, Cambridge, 1999.
- [7] Goeldner, R. et al, *Tourism, Principles, Philosophies*, John Wiley & Sons, New York, 2000.
- [8] Hiltz, S. and J. Fitzgibbon, "Sustainable Development and Rural Resources Planning: The Challenge of the Future in Rural Canada", *Plan Canada*, Vol. 29, No. 2.
- [9] Mc. Avoy, L., "An Environmental Ethic for Parks and Recreation", *Parks and Recreations*, Vol. 25, No. 9.
- [10] Wight, Pamela A., "Sustainable Ecotourism Balancing Economic, Environmental and Social Goals within An Ethical Framework", in *The Journal of Tourism Studies*, Vol. 4, No. 2.
- [11] Mader, U., "Tourism and the Environment", *Annals of Tourism Research*, Vol. 15, No. 2.
- [12] Daeng, Kund, "Alternative Tourism", *Alternative Tour*, Thailand, 1990, 2.
- [13] Stark, James, Hawaii: Tourism Action Network, Contours, ECTWT, Bangkok, Vol. 4, No. 4.
- [14] Brandon, Katrina, *Ecotourism and conservation: A Review of Issues*, World Bank, Washington D. C., 1996.
- [15] Tisdell, Clem, *The Economics of Tourism*, Vol. 11, Edward Elgar Pub., Chaltenham, IJK, Northhampton, MA, USA, 2000.
- [16] Buckley, Ralf, *Environmental Inputs and Outputs in Ecotourism: Geotourism with a Positive Triple Bottom Line*, Unpublished Paper, Griffith Univ., 2002.
- [17] Ayala, H, "Report Ecotourism: A Paradigm for the 21th Century", *Cornell Hotel and Restaurant Administration Quarterly*, Vol. 37, No. 5.